

افق و چشم انداز بیداری اسلامی: (حل مشکلات معرفتی و معنوی بشریت و حمایت از محرومان و مستضعفان جهان)

- ✓ تغییر موقعیت ملت ها و کشورهای پیرامونی در نظام جهانی سلطه: آرمان و خواسته نهایی بیداری اسلامی نیست. (این موضوع: اوج همت (Peak of effort) بیداری اسلامی نیست).
- ✓ بیداری اسلامی؛ دستیابی به صلح جهانی که بی توجه به عدالت باشد را تنها آرمان بشر نمی پندارد.
- ✓ بیداری اسلامی؛ از افق (چشم انداز) جهان متجدد به دنیا نمی نگرد (زیرا نمی خواهد؛ درتنگنای جهان سکولار و چالش ها و بحران های ذاتی آن متوقف بماند).
- ✓ بیداری اسلامی؛ دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفه خود میدانند.
- ✓ بیداری اسلامی؛ نوع بشر را مخاطب خود قرار می دهد و حل مشکلات معرفتی و معنوی بشریت را در محدوده رسالت خود می بیند.

ملاک ارزیابی جنبش ها و انقلاب ها در جهان دو قطبی قرن بیستم و زیر سؤال رفتن آن با انقلاب اسلامی ایران :

در جهان دو قطبی قرن بیستم؛ هویت جنبش ها، انقلاب ها و کشورها، بر اساس جایگاه و اهمیت شان برای یکی از دو قطب جهان یعنی؛ بلوک شرق یا غرب؛ ارزیابی می شد. بر این اساس؛ انقلاب اسلامی ایران در ابتدا برای بلوک شرق اهمیت می یافت، زیرا؛ یک نظام سیاسی وابسته به بلوک غرب را هدف قرار داده بود؛ اما از آنجاییکه انقلاب ایران هیچ نوع تعلق و تعهدی به بلوک شرق نداشت؛ این تلقی زیر سؤال می رفت. (اگر انقلاب اسلامی ایران وابسته به بلوک شرق و جریان چپ بود؛ می بایست با سقوط حکومت پهلوی که وابسته به بلوک غرب بود؛ فرصت جدیدی برای شوروی (رهبر بلوک شرق) پدید می آمد که در عمل چنین اتفاقی رخ نداد).

استقلال هویتی انقلاب اسلامی ایران و نگرش دولتمردان امریکایی درباره فرجام آن:

از نظر دولتمردان امریکا؛ انقلاب اسلامی بدلیل اینکه با بلوک شرق ارتباط برقرار نمی کرد. توان مقاومت نداشته و نمی توانست تداوم یابد و دیر یا زود دست نیاز به سوی بلوک غرب دراز می کرد. دولتمردان غربی؛ با چنین نگاهی به انقلاب اسلامی ایران، از عمق حادثه غافل بودند. آنها انقلاب ایران را با موازین فرهنگ غرب می سنجیدند. در حالیکه انقلاب اسلامی ایران؛ از متن فرهنگی دیگر (فرهنگ اسلامی) بر می خاست.

انقلاب اسلامی ایران؛ خاستگاه، هدف، اصالت:

- ✓ انقلاب اسلامی ایران؛ از متن فرهنگ اسلامی بر می خاست (در چارچوب آرمان ها و ارزش های سکولار جهان غرب قرار نداشت).
- ✓ انقلاب اسلامی ایران؛ برای حفظ هویت اسلامی و تأمین حقوق از دست رفته امت اسلامی شکل گرفته بود.
- ✓ انقلاب اسلامی ایران؛ نخستین انقلابی بود که بعد از انقلاب فرانسه در سطح جهان اتفاق می افتاد. (زیرا هیچ یک از انقلاب هایی که پس از انقلاب فرانسه رخ داده بودند؛ یک انقلاب جدید نبودند؛ بلکه همه آنها در جهت بسط و گسترش انقلاب فرانسه بودند).

مقایسه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه و انقلاب روسیه: (بر اساس آرمان ها و رویکردها)

آرمان ها و رویکردها	ویژگی انقلاب
بر اساس آرمان ها و ارزش های مدرنی شکل گرفت که پس از دوران رنسانس بوجود آمدن بودند	انقلاب فرانسه (۱۷۸۹)
هرچند بدلیل رویکرد چپ و سوسیالیستی خود، با سایر انقلاب های اروپایی تفاوت داشت، ولی بدلیل سکولار بودن، درون فرهنگ غرب قرار می گرفت	انقلاب روسیه (۱۹۱۷)
با الگو گرفتن از فقه اجتماعی- سیاسی شیعه؛ از رویکرد دینی و فرهنگی به شناخت بحران ها و چالش های جهان اسلام پرداخت و با بازگشت به هویت اسلامی؛ فرصت جدیدی را برای جهان غرب، جهت حل بحران های معرفتی و معنوی پدید آورد.	انقلاب اسلامی ایران

نکته: انقلاب فرانسه؛ ابتدا در خاستگاه خود (فرانسه) گرفتار مشکلاتی شد، اما بزودی بصورت سلسله انقلاب های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸، حیاتی مجدد یافت و همه کشورهای اروپایی را فراگرفت.

نکته: سایر انقلاب ها و جنبش های آزادی در مراکش (۱۹۲۱) / لیبی (۱۹۳۰) / لبنان (۱۹۴۱) / سوریه (۱۹۴۴) / پاکستان (۱۹۴۷) / چین (۱۹۴۸) و ... طی قرن بیستم، تقلیدی از انقلاب ای مدرن (فرانسه و روسیه) بودند.

جهان اسلام و رویکردهای حل مسائل:

رویکردهای دوگانه دولتمردان و روشنفکران جهان اسلام در خصوص مسائل و مشکلات جهان اسلام (قبل از وقوع انقلاب اسلامی):

الف) رویکرد اول: مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بوده است که در اثر عقب ماندگی تاریخی از جوامع غربی پیش آمده بود. (این رویکرد توسط دولتمردان و روشنفکرانی چون: عباس میرزا / قائم مقام فراهانی / امیر کبیر / سید جمال الدین اسدآبادی و ... در دوران قاجار کلید خورد و در بواسطه دولتمردان و روشنفکرانی چون: رضا شاه / محمد رضا شاه / ذکاء المک فروغی / علی اکبر خان داور / احمد کسروی / و ... در دوران پهلوی به اوج خود رسید). (این رویکرد؛ جهان اسلام را در حاشیه بلوک غرب قرار می داد).

ب) رویکرد دوم: مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بوده است که لیبرالیسم غربی عامل آن بوده است. دولتمردان و روشنفکرانی که این رویکرد را داشتند از موضع اندیشه های مارکسیستی و سوسیالیستی به مبارزه با غرب سیاسی می پرداختند. (این رویکرد در جهان اسلام که تحت تأثیر جنگ سرد میان بلوک غرب و شرق شکل گرفته بود؛ توسط روشنفکران متعلق به حزب توده کلید خورد و بواسطه روشنفکران دین گرای، چون: جلال آل احمد / علی شریعتی و ... به اوج خود رسید). (این رویکرد؛ جهان اسلام را در حاشیه بلوک شرق قرار می داد).

نحوه مواجهه کشورهای مسلمان با مسئله فلسطین (یکی از مهمترین مسائل جهان اسلام):

تا پیش از انقلاب اسلامی؛ ملاک تعیین کننده کشورهای مسلمان در مواجهه با مسئله اسرائیل وابستگی شان به بلوک شرق یا غرب بود.

الف) مواجهه کشورهای مسلمان وابسته به بلوک غرب: این کشورها؛ دولت غاصب اسرائیل (Occupying State of Israel) را به رسمیت می شناختند و یا در جهت سازش با آن گام بر می داشتند. (مانند: دولت مصر در زمان انور سادات / حکومت ایران در زمان محمد رضا شاه پهلوی و ...).

نکته: انور سادات؛ رئیس جمهور وقت کشور مصر که پس از جمال عبدالناصر به ریاست جمهوری انتخاب شد؛ با امضای قرارداد کمپ دبوید. اسرائیل را به رسمیت شناخت و این مسئله؛ موقعیت گروه های فلسطینی را تضعیف کرد.

ب) مواجهه کشورهای مسلمان وابسته به بلوک شرق: این کشورها؛ دولت غاصب اسرائیل را به رسمیت نمی شناختند، جبهه پایداری و مقاومت را تشکیل می دادند. (مانند: گروه های مبارز فلسطینی / دولت مصر در زمان جمال عبدالناصر / سوریه / اردن / عربستان / لیبی / سودان / الجزایر / ..).

نکته: دولت مصر به رهبری جمال عبدالناصر؛ مظهر ناسیونالیسم عربی بود.

نکته: گروه های مبارز فلسطینی در مواجهه با دولت غاصب اسرائیل؛ به ناگزیر به بلوک شرق می پیوستند (زیرا گزینه دیگری برای مقابله با اسرائیل نداشتند).

گروه های مبارز فلسطینی و هویت های دوگانه:

الف) گروه های مبارز فلسطینی با هویت مارکسیستی: (این گروه ها؛ جایگاهی برای اعتقادات دینی، قائل نبودند).

ب) گروه های مبارز فلسطینی با هویت ناسیونالیستی: این گروه ها؛ اسلام را پدیده ای عربی می دانستند).

انقلاب اسلامی ایران و نحوه مواجهه با دولت غاصب اسرائیل:

- ✓ انقلاب اسلامی ایران؛ الگوی نوینی در برابر امت اسلامی قرار داد و افق جدیدی را به روی جهان اسلام گشود. (افقی که به هیچکدام از بلوک های شرق و غرب محدود نبود).
- ✓ اهمیت انقلاب اسلامی، فقط به این دلیل نبود که مهم ترین قدرت حامی اسرائیل در منطقه (محمد رضا شاه) را ساقط کرده بود، بلکه در راهکاری بود که برای مبارزه با صهیونیسم ارائه می داد.
- ✓ انقلاب اسلامی ایران؛ با بازگشت به اسلام و با اتکاء به فقه سیاسی- اجتماعی شیعی؛ مسأله اسرائیل را نه فقط مسأله جهان عرب، بلکه بعنوان مسأله جهان اسلام مطرح کرد.
- ✓ انقلاب اسلامی ایران؛ با بازگشت به اسلام؛ اولاً مشروعیت قرارداد کمپ دیوید را در باور مسلمانان مخدوش کرد و اعتبار انداخت. ثانیاً؛ مقاومت در برابر صهیونیسم را از موضع اعتقاد اسلامی و با تکیه بر ایمان به خداوند و قدرت الهی، آغاز کرد.

نکته: بطور خلاصه: انقلاب اسلامی ایران مسأله فلسطین را مرتبط با کل جهان اسلام (نه فقط جهان عرب) نمود و موضع مقاومت با صهیونیسم را به باورهای اسلامی (بجای تعصبات قومی اعراب) استوار نمود.

نمونه های از حرکت ها و جنبش های اسلامی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران ایجاد شدند:

- شکل گیری انتفاضه و جنبش های جدید اسلامی در فلسطین.
- شکل گیری جهاد اسلامی در افغانستان در برابر حکومت وابسته به بلوک شرق.
- شکل گیری جبهه نجات اسلامی در الجزایر و پیروزی اسلام گرایان در الجزایر در انتخابات ۱۹۹۰.

مهم ترین پیامد انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام:

شکل گیری جنبش ها و انقلاب های گسترده مردم در کشورهای عربی از سال ۱۳۸۹ شمسی که منجر به سقوط قدرت های سیاسی در چهار کشور عربی؛ شامل: تونس / مصر / لیبی / یمن، شده است. وقوع این انقلاب ها، سه دهه پس از انقلاب اسلامی ایران، نظیر همان وقایعی است که چهار دهه پس از انقلاب فرانسه در کشورهای اروپایی رخ داد.

نکته: دولت های غربی تلاش کردند، تا این انقلاب ها را بخشی از فرایند غربی شدن معرفی کنند و از همین رو آنرا بهار عربی نامیدند. اما این انقلاب ها حکایت از بیداری اسلامی دارند و به همین دلیل غرب برای منحرف کردن آنها با تمام توان خود وارد عمل شده است.

تحول الگوی بیداری اسلامی در جهان اسلام :

الگوی بیداری اسلامی نزد نخستین بیدارگران اسلامی : نخستین بیدارگران در جهان اسلام؛ اندیشمندان و عالمانی بودند که با هدف؛ حفظ استقلال و عزت جهان اسلام بدنبال اصلاح رفتار حاکمان جوامع اسلامی بودند. (هدف : حفظ استقلال و عزت جهان اسلام / استراتژی : اصلاح رفتار حاکمان جوامع اسلامی).

الگوی بیداری اسلامی در جهان امروز (با الهام از انقلاب اسلامی ایران) : امروزه در جهان اسلام؛ بیداری اسلامی از سطح نخبگان (حاکمان و روشنفکران) به مردم و فرهنگ عمومی جهان اسلام منتقل شده است. انقلاب اسلامی ایران از طریق بیداری اسلامی؛ الگوی جدیدی در برابر امت اسلامی قرار داده است. (الگوی مبتنی بر فقهت و عدالت). اگر بیداری اسلامی در جوامع اسلامی تحقق پیدا کند. این جوامع بسوی نظامی حرکت خواهند کرد که فارغ از قدرت های قومی و قبیله ای بر اساس فقهت و عدالت سازمان می یابند.

نکته : امام خمینی (ره): در وصیت نامه سیاسی - الهی خود؛ تشکیل یک دولت اسلامی را با جمهوری های آزاد و مستقل برای آینده کشورهای مسلمان، ترسیم میکند.

افق (چشم انداز) انقلاب اسلامی ایران :

- انقلاب اسلامی ایران؛ با آنکه در ایران رخ داد و از ذخایر معرفتی شیعی استفاده کرد، آرمان ها و ارزش ها و مسئولیت و رسالت خود را به حل چالش های جامعه ایران یا شیعیان محدود نکرد.
- انقلاب اسلامی ایران؛ از عزت و اقتدار جهان اسلام پاسداری می کرد و دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفه خود می دانست.
- انقلاب اسلامی ایران؛ فطرت الهی همه انسانها را مخاطب پیام خود قرار می داد و حل مشکلات معرفتی و معنوی بشریت را رسالت خود می دید.

نامه امام خمینی (ره) به گورباچف؛ (مصدقی از دغدغه انقلاب اسلامی به حل مشکلات معرفتی در سطح جهان):

امام خمینی (ره) در این نامه؛ با استفاده از حکمت مشاء و اشراق؛ به اشکالات و ایراداتی که در محدود کردن دانش و علم به شناخت حسی یا شناخت عقلی وجود دارد؛ اشاره کرد. ایشان ضمن پیش بینی فروپاشی بلوک شرق، از آنان خواست تا برای عبور از همه بحران ها، بسوی آموزه های اسلام گام بردارند و بدین منظور نخبگان خود را برای فراگیری حکمت و علوم اسلامی به ایران بفرستند.

نکته : برپایی نماز جماعت، مراسم مذهبی و چاپ قران با الفبای سیریلیک در کشورهای پسا شوروی (کشورهای استقلال یافته پس از فروپاشی شوروی) یادآور پیام امام خمینی (ره) به گورباچف است که با مادی گرایی نمی توان بشر را از بحران به در آورد.

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جهان غرب : (انقلاب اسلامی ایران بعنوان مصدقی گویا؛ برای حضور تاریخ ساز فرهنگ های غیر غربی).

- ✓ تأثیرگذاری در؛ فرصت بروز و ظهور یافتن بحران های عمیق معرفتی و معنوی جهان غرب و چالش های مربوط به آن.
- ✓ تأثیرگذاری در؛ شکل گیری یا گسترش اندیشه های پسامدرن و بوجود آمدن رویکرد دینی و معنوی به زندگی اجتماعی در جوامع غربی
- ✓ تأثیرگذاری در؛ بی اعتبار شدن ارزش ها و آرمان های مدرن غربی و شکل گیری نظریه های ناظر به افول سکولاریسم، (سکولاریسم / اومانیزم / روشنگری از جمله آرمان های مدرنی بودند که بعد از رنسانس در غرب ایجاد شدند).

نکته: انقلاب اسلامی ایران که مستقل از ارزش ها و آرمان های جهان غرب شکل گرفت؛ شاهدهی گویا؛ برای حضور تاریخ ساز فرهنگ های غیر غربی بود.

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای جهان سوم، پیامد آن برای قدرت های غربی و واکنش آنها به آن:

الف) تأثیرگذاری: معرفی راهی نوین، فرا روی کشورهای جهان سوم

ب) پیامد برای جهان غرب: در هم ریختن موقعیت استوار دو قطب سیاسی قرن بیستم (قطب شرق و غرب) و تحمیل کردن قطب بندی جدیدی به جهان

ب) واکنش جهان غرب: جهان غرب پس از پی بردن به عمق حادثه و توان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی؛ سلسله اقدامات مستمری را در مقابله با آن انجام داده است (مقاومت انقلاب اسلامی در برابر هر یک از این اقدامات، موقعیت جدیدی را برای جهان اسلام، پدید آورده است).

نکته: از نخستین تلاش های قدرت های جهانی برای مقابله با انقلاب اسلامی؛ می توان به کودتای نوزده و ۸ سال جنگ تحمیلی اشاره کرد.

نکته: جنگ ایران و عراق با همه جنگ های قرن بیستم متفاوت بود. از این جهت که در این جنگ؛ تمام کشورهای بلوک شرق و غرب؛ علیه ایران متحد شدند. از جمله می توان به تسلیحات روسی / امریکایی / فرانسوی / آلمانی و... و دلارهای نفتی کشورهای عربی اشاره کرد که همگی در خدمت ارتش عراق قرار گرفته بود. این در حالی بود که ایران برای تهیه ابتدایی ترین تجهیزات جنگی از جمله سیم خاردار، تحریم شده بود.

پیامد مقاومت انقلاب اسلامی ایران در دهه نخست انقلاب:

- ✓ تضعیف موقعیت بلوک شرق به عنوان تنها رقیب بلوک غرب.
- ✓ تثبیت نمودن موقعیت جهان اسلام بعنوان یک قطب فرهنگی.

انقلاب اسلامی ایران و خط بطلان کشیدن بر نظریه «پایان تاریخ» اثر فرانسیس فوکویاما (Francis Fukuyama):

نظریه پایان تاریخ: (۱۹۸۹ میلادی) (End of History) به فروپاشی بلوک شرق در جنگ سرد و به پایان تضادهای عقیدتی - سیاسی با برتری لیبرال دموکراسی غربی اشاره دارد. این نظریه؛ لیبرال دموکراسی را بعنوان محصول نهایی تاریخ بشر و شکل نهایی حکومت بشری در نظر گرفته و مدعی است که بدیل یا جایگزین بهتر و مناسب تری برای آن وجود ندارد).

بر اساس نظریه پایان تاریخ؛ نظام لیبرال دموکراسی بعنوان آخرین حد تلاش ها و مبارزات ایدئولوژیک در طول تاریخ؛ عمیق ترین و اساسی ترین نیازهای بشر را برآورده می سازد.

کشورهای غربی در نخستین نظریه پردازی های خود بدنبال آن بودند تا فروپاشی بلوک شرق را به شکل گیری نظم نوین جهانی بر مدار یک قطب واحد معنا کنند. نظریه پایان تاریخ فوکویاما همین معنا را القاء می کرد. اما موفقیت انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای جهانی آن بر این نظریه خط بطلان کشید.

نظریه «جنگ تمدن ها» (۱۹۹۳ میلادی) اثر «ساموئل هانتینگتون» و اذعان به حضور فرهنگی و تمدنی جهان اسلام:

نظریه جنگ تمدن ها یا برخورد تمدن ها (Clash of Civilization): (طرح اسلام هراسی و معرفی فرهنگ اسلامی بزرگترین تهدید برای جهان غرب) ساموئل هانتینگتون (Samuel Huntington) از آخرین مرحله درگیری ها در جهان معاصر، با عنوان جنگ تمدن ها یاد می کند. از نظر او در این مرحله، دولت- ملت ها، بازیگران اصلی روابط بین المللی نیستند و رقابت ها و درگیری ها، بین فرهنگ ها و تمدن های بزرگ (نه بین دولت- ملت ها) به وقوع خواهد پیوست و در این میان، فرهنگ اسلامی بزرگترین تهدید برای جهان غرب است.

توضیح: هانتینگتون، جهان را به ۹ حوزه تمدنی تقسیم می کند:

تمدن غربی/ تمدن اسلامی/ تمدن آرتدکس/ بودایی/ هندی/ افریقایی/ امریکای لاتین/ چینی/ ژاپنی

از نظر هانتینگتون؛ پس از جنگ سرد، بجای ابرقدرت های جنگ سرد، کشورهای اصلی هر تمدن، ظهور خواهند کرد و فرهنگ و هویت فرهنگی و تمدنی، سرچشمه تمام جنگ ها خواهد بود. به اعتقاد هانتینگتون؛ تا زمانی که غرب، غرب بماند و اسلام، اسلام بماند، تنها عامل تعیین کننده در روابط میان این حوزه های فرهنگی عظیم، نبرد بنیادین خواهد بود، چراکه اصلی ترین دشمن احتمالی غرب و بویژه امریکا، اسلام می باشد. در این میان، اتحاد یا تبانی جهان اسلام و جوامع کنفوسیوسی (چین) برای غرب بسیار خطرناک و تهدید آمیز خواهد بود. (ایران و عراق از تمدن اسلامی و چین از تمدن شرق آسیا، بزرگترین تهدید برای امریکا به شمار می روند).

ویژگی های نظریه جنگ تمدن ها :

- ✓ اذعان و اعتراف به حضور فرهنگی و تمدنی جهان اسلام.
- ✓ اذعان و اعتراف به شکل گیری قطب بندی جدید فرهنگی- تمدنی در سطح جهان.
- ✓ نادیده گرفتن جایگاه برجسته و منحصر به فرد انقلاب و فرهنگ اسلامی (با مطرح نمودن سایر تمدن ها در کنار تمدن اسلامی و همپراز با آن).
- ✓ رواج اسلام هراسی و توجیه نمودن رویکرد خصمانه جهان غرب به جنبش های اسلامی (این نظریه؛ هراسی را پس از جنگ جهانی دوم نسبت به بلوک شرق وجود داشت؛ متوجه جهان اسلام می گرداند).

فعالیت های جهان غرب در جهت مقابله با حرکت های مستقل در جهان اسلام :

- مقابله نظامی و سیاسی از طریق حضور مستقیم (مانند آنچه در عراق و افغانستان رخ داده است).
- محاصره و تحریم اقتصادی از طریق سازمان های بین المللی (مانند آنچه نسبت به ایران انجام می شود).
- تبلیغ معنویت های کاذب و سکولار در کشورهای غربی برای اشباع خلاء معنوی فرهنگ غرب.
- تصویر سازی خشن و غیرعقلانی از فرهنگ اسلامی از طریق سازماندهی و شکل دهی جریان های تروریستی وهابی.
- تفسیرهای سکولار از اسلام و حمایت از اسلام امریکایی در مقابل انقلاب اسلامی.
- مدیریت جنگ رسانه ای همه جانبه در برابر حرکت فرهنگی جهان اسلام.
- ایجاد اختلافات فرقه ای و مذهبی برای تضعیف جهان اسلام.